



کانون هلال احمر مرکز شهید مطهری خوی

# هلال احمر عشق

فصلنامه کانون هلال احمر مرکز شهید مطهری خوی

شماره ی اول - خرداد ۱۴۰۱

آنچه در این شماره خواهید خواند :

تاریخچه ی هلال احمر

خصوصیات یک امدادگر

انواع ارزیابی

قوانین طلایی کمک های اولیه و ...







بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





- ۱ ..... شناسنامه نشریه
- ۲ ..... سخن مدیر مسئول
- ۳ ..... سخن سردربر
- ۴ ..... بوی بهار
- ۶ ..... روز طبیعت
- ۸ ..... ماه مهمانی
- ۹ ..... کمک های اولیه
- ۱۰ ..... قوانین طلایی کمک های اولیه
- ۱۳ ..... روز معلم
- ۱۴ ..... روز جهانی هلال احمر
- ۱۵ ..... خصوصیات امدادگر
- ۱۶ ..... اهدای عضو
- ۱۸ ..... مواجهه با مصدوم



۱۹	..... روز جهانی بدون دخانیات
۲۰	..... جدول هلال احمر
۲۱	..... روز دختر
۲۲	..... روز محیط زیست
۲۳	..... معرفی کتاب
۲۵	..... مصاحبه
۲۹	..... میلاد امام هشتم
۳۰	..... رضایت مصدوم
۳۱	..... انواع ارزیابی
۳۳	..... عکاسی بهاری





# شناسنامه نشریه

## فصلنامه هلال عشق

شماره ی یک - بهار ۱۴۰۱

صاحب امتیاز : کانون هلال احمر مرکز شهید مطهری خوی

مدیر مسئول : سمانه محماریان

سردبیر : فرنیا کیانی کلجاهی

اعضای هیئت تحریریه : صبا فرجی - پریسا علیزاده - زهرا قاسمی - الناز نعمانی -  
مدیثه صفری چهار طاق - فاطمه نریمانی - فاطمه زارعی - نسرین ارمند - فاطمه  
عبادی - فاطمه چراغی - فاطمه مرادی

ویراستاران : عارفه موسوی - فرنیا کیانی کلجاهی - سویل فضل

آموزش تخصصی : محسن محمدی

عکاسان : فاطمه عبادی یالقوز آغاجی - کیانا آریان پور - فاطمه عقبائی

خبرنگار : آسکه محمودی

طراحی گرافیکی : سمانه محماریان - زهرا اسماعیل زاده

زهرا موسوی - آینور کوچمشکی - هانیا مرواری - نفیسه پور میرزا



## سخن مدیر مسئول

حمد و ثنای بی غایت و شکر و سپاس بی نهایت خداوندی  
را که توفیق را رفیق راهمان کرد و مارا مساعدت نمود تا با این  
مجموعه در خدمت شما بزرگواران باشیم و قدمی در مسیر  
معرفی و تعالی این سازمان انسانی و ارزشمند با هدف تسکین  
آلام بشر که چشمانی پر از اشک را مبدل به چشمانی سرشار  
از شادی می نماید برداریم ، و هم مسیر شویم با فرشتگانی بی  
بال که بی هیچ چشم داشت و با قلبی مملو از مهر و محبت  
یاری می رسانند ؛ آری به راستی که هلال گلفام و پرمهرشان  
را باید هلال عشق نامید .

سمانه معاریان



## سخن سردبیر

فرستی پیش آمد تا به بهانه  
انتشارنشریه با خوانندگان گرانمایه  
به گفتگو بپردازم.

انتشار نشریه بدون مشارکت شما  
امکان پذیر نخواهد بود. استقبال  
شما با ارسال مقالات نغز و پرمایه  
باعث شکوفائی این نشریه در  
جمع اندیشمندان حوزه هلال احمر  
و سلامت خواهد گردید.

انتظار داریم همواره با ارسال  
مقالاتی که حاصل فعالیت های  
پژوهشی شماست بر غنای علمی  
مجله بیافزائید. لازم می دانم  
از همکاران عزیزم که در راه  
اندازی و انتشار نشریه تلاش  
نمودند قدردانی نمایم.

با تشکر فرنیای کیانی کلجاهی



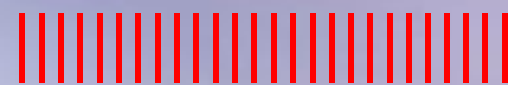
# بوی بهار

عید یعنی شادمانی، یعنی امید برای نو زیستن، بهانه ای خوش برای شاد بودن در کنار همدیگر. عید یعنی زدودن زنگار کینه و دشمنی از آینه ی وجود و کاشتن بذر مهربانی و محبت و عشق. عید یعنی کندن پیراهن یأس و دل مردگی و پوشیدن ردای سبز امید و خرمی. عید یعنی تحمل سختی های دلسرد کننده و چشیدن طعم شیرین رسیدن روزهای خوش و بهاری. عید یعنی پهن کردن سفره ی سخاوت، سادگی، صداقت و برچیدن پیراهن ریا و دورنگی.

عید نوروز درس های فراوانی به صاحبان اندیشه های نیک می دهد. همان طور که خانه تکانی قبل از عید را همیشه لازم و ضروری می دانیم باید به خانه تکانی دل نیزپردازیم و فصل جدیدی از زندگی را آغاز کنیم که منشاء خیر و برکت برای خود، خانواده، خویشاوندان است و موجب قرب خدا می گردد.

نوروز اولین روز بهار است. در نوروز طبیعت از خواب طولانی زمستان بیدار می شود و بار دیگر رستاخیز طبیعت آغاز می گردد. ما ایرانیان هر ساله شروع سال جدید را توأم با شادی و نشاط جشن می گیریم.

در نوروز دست نسیم بهاری، لحاف سفید و سرد زمستانی را کنار می زند و طبیعت را از خواب بیدار می کند و شانه ی سبز و خرمی را در لابه لای برگ ها، چمن زار ها، بوته ها، شاخه ها و گل ها می کشد؛ در کالبد طبیعت، روح تازه دمیده می شود و حیات دوباره می یابد.



نسیم خوش بهاری، آمدن طبیعتی تازه را نوید می دهد؛ برگ ها جان می گیرند و جوانه ها شکوفه می دهند. نوروز از راه می رسد و به یمن گام هایش برف ها ذوب می شوند و رود هایی زلال در درّه های پر پیچ و خم جاری می شوند.

نیلوفر ها به رقص و پایکوبی مشغول می گردند و سارها به دهکده های دور دست بال می گشایند؛ هردوی آنها نوروز را را به مردمان خونگرم آبادی های دور و نزدیک تبریک می گویند.

بهار می آید تا به ما بگوید لحظه ها چون ابر بهاری در گذرند تا ایمان بیاوریم که همه چیز در حال تغییر و دگرگونی است. بهار می گوید، قدر لحظه لحظه ی زندگیمان را بدانیم و از داشته هایمان نهایت استفاده را ببریم. ما باید به دور از هیاهوی چشم و هم چشمی در دنیای سادگی و صمیمیت، بی آرایش و بی ریا زندگی کنیم.

به قول گلچین گیلانی:

زندگی خواه تیره، خواه روشن      هست زیبا. هست زیبا. هست زیبا





## سیزده بدر

روز پایان جشن های نوروزی یکی از روزهای قشنگ بهار که طبق سنت فرهنگی ما ایرانی ها این روز رو همراه با خانواده به دامان کوه و صحرا و طبیعت میرویم در تقویم های رسمی ایرانی بعد از انقلاب روز سیزدهم فروردین "روز طبیعت" نامگذاری شده و تعطیل رسمی است.

روزی که طبق حرفای زیادی که شنیده ایم اگه بیرون نرویم و تو خونه بمانیم نحسی این روز دامان مارو میگیرد. اما صبر کنید... باید طور دیگری به موضوع نگاه کنیم؛ در فرهنگ ایران باستان هیچ روزی نحس نیست پس نگاهمان را به این روز زیبا عوض کنیم وقتی به معانی واژه ها نگاه کنیم برداشت دیگری از این واژه می توان داشت. «در» به جای «دره و دشت» می تواند جایگزین شود. به عنوان مثال علامه دهخدا، واژه «در و دشت» را مخفف «دره و دشت» می داند. یکی از معانی واژه «به»، «طرف و سوی» است مانند اینکه میگوییم «به فروشگاه».

پس با نگاهی کلی می توان گفت واژه «سیزده بدر» به معنای «سیزدهم به سوی در و دشت شدن» می باشد که همان معنی بیرون رفتن و در دامان طبیعت سرکردن را می دهد. البته در مورد درستی معنی این واژه همچنان اختلاف نظر وجود دارد. اکنون که با روز طبیعت یا همان سیزده بدر بیشتر آشنا شدیم ، با رسوم بخش های مختلف ایران در این روز قشنگ نیز آشنا شویم.

برخی از رسوم در سراسر ایران عزیزمان مشترک است برای مثال از منزل بیرون رفتن و به دل طبیعت رفتن، گره زدن سبزه و سبزه به رود سپردن؛ اما برخی آیین ها فقط در یک منطقه از ایران دیده میشود.

## کردستان سرفراز و ماندنی

از جمله رسوم سیزده بدر در کردستان این بوده که مردم قبل از بازگشت به خانه اقدام به جمع کردن سیزده سنگریزه، دعای رفع نحسی و پرتاب سنگریزه ها به پشت سر می کنند، چرا که عقیده دارند با پرتاب این سنگریزه ها به پشت سر و همزمان خواندن دعا، موجب رفع نحسی و مشکلات می شوند.

غذای روز سیزده بدر هم در مناطق مختلف میتواند متفاوت باشد برای مثال در کردستان، دلمه از متداول ترین غذاها برای سیزده بدر است هرچند امروزه بسیاری از خانواده ها در طبیعت با برافراشتن آتش به پختن جوجه کباب ، کوبیده یا ماهی میپردازند.

## آذربایجان غربی

مردم آذربایجان غربی از هر غذایی که بگذرند، نمی توانند از آش دوغ بگذرند و پخت آش دوغ هنوز پای ثابت غذاهای خانواده ها در روز طبیعت است.

## اصفهان

خانواده های اصفهانی با نهایت دقت سبزه ای که در شب عید سبز کرده بودند را از منزل خود خارج کرده و در کنار جوی و چشمه های آب روان می گذاشتند و با صدای بلند می گفتند: «سبزی و خرمی تو از من، زردی و رنجوری من از تو» و سبزه ها را قبل از هر کاری دختران مجرد گره ای به آن می زدند تا به برکت آن بختشان باز شود و بعد سبزه ها را مشت مشت کنده و در آب می ریختند. مردم اصفهان در هنگام حضور در روز طبیعت نیز خوراکی های مختلف مانند گندم و شاهدانه بو داده، تخم مرغ هفت رنگ و آجیل و شیرینی که از عید باقی مانده بود را با خود برده و تا زمانیکه در طبیعت حضور داشتند، با خنده و شادمانی در کنار قوم و خویش هم از آن ها می خوردند.







خوردن کاهو و سکنجبین و آجیل باقی مانده از دوازده روز عید نیز در بین تعداد زیادی از مردم در نوروز رایج است. گفتنی است در طب سنتی ایران خوردن سکنجبین که طبع گرمی دارد، به همراه کاهو که دارای طبیعت سرد است، تجویز شده است.

در کنار رسم های زیبایی که باعث خوشحالی و کنار هم بودن خانواده ها میشود باید مراقب آیینی که به محیط زیست آسیب میزند هم بود و بی توجه از کنار آنها نگذشت.

برای مثال رسمی که در سال های اخیر به سیزده بدر اضافه شده، رها کردن ماهی قرمز در جویبارها و رودخانه ها، از آنجا که ماهی قرمز گونه ای غیر بومی است که به اکوسیستم ما وارد می شود، بسیار آسیب زننده است و تأثیر مخربی بر طبیعت دارد و توصیه می شود آن ها را در استخرها و حوض های پارک های درون شهری رها شوند هرچند بهتر است از خرید و اسارت این موجودات کوچک جلوگیری کنیم.

نکته مهم دیگر اینکه به هیچ عنوان سبزه ها را در آب های روان رها نکنیم؛ درست است که رسمی کهنه است اما برای محیط زیست بسیار مضر است. در برخی شهرها مکان هایی برای تحویل سبزه های عید وجود دارد که از سبزه ها برای تهیه کمپوست یا غذای دام استفاده میشود پس بهتر است سبزه ها را تحویل داده و البته نکته مهم اینکه میتوانیم به جای تهیه سبزه عید که نشان دهنده سرسبزی است، نهال بکاریم با این کار هم غلات را هدر نمیدهیم و هم به آبادانی سرزمینمان و طبیعت کمک کرده ایم.

و در آخر حدیث هایی از امامان را در رابطه با طبیعت و گشت و گشت و گذار در آن مرور کنیم.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «نگاه کردن به سبزه، موجب شادابی است.»

حضرت امام کاظم علیه السلام فرمود: «سه چیز به دیده روشنی می بخشد: نگاه به سبزه، نگاه به آب روان، و نگاه به صورت زیبا.»

فاطمه چراغی



## گیلان سرسبز

مردم استان گیلان این روز را با سرور و شادی دسته جمعی در میان سبزه زارها می گذرانند، غذاهای سبزی دار می خورند، سبزه های نوروز را به آب روان می سپارند و به کنار رودخانه می روند و هفت دانه سنگ ریز در آب می اندازند و با انداختن هر سنگ آرزویی برای سال جدید می کنند. دختران گیلانی براساس فلسفه سیزده بدر، سبزه های دشت و دمن را گره می زنند تا برایشان پیوند زندگی در پی داشته باشد و به خانه بخت بروند. در روز سیزده بدر بازار بازی های سنتی و محلی مانند تاب بازی، اسب دوانی، بندبازی، کشتی گيله مردی و دیگر بازی ها و نمایش ها نیز در گیلان گرم هست. بازارهای محلی نیز در سیزده بدر در ایران در اکثر مناطق استان گیلان برپا هستند. طبخ کباب، فروختن چای، کاهو، تنقلات، تخمه، توپ بازی، بادکنک و بادبک و سایر مایحتاج مردم در این روز منبع درآمد است.

## مشهد مقدس

برخی مردم شهر مشهد روز سیزده فروردین را نحس می دانند و بر این باورند که در این روز بایستی از خانه خارج شد و در دشت و چمن به گردش و شادی پرداخت. از این رو، صبح روز سیزدهم به سبزه زار و باغ و چمن می روند و به شادی می پردازند. برخی دختران دم بخت برای گشودن بخت خود و پیدا کردن همسر مناسب رو به قبله می نشینند و سبزه گره می زنند و می گویند: «سیزده بدر، چارده به تو، سال دگه خنه شو، هاکوت کوتو هاکوت کوتو!» سپس، کمی شیرینی در پای سبزه ای که گره زده اند، می ریزند و از آنجا دور می شوند. در این روز ناهار را در باغ و سبزه زار می خورند و آنچه آجیل و شیرینی از عید باقی مانده، در آن روز مصرف می کنند.

یکی دیگر از آداب و رسوم سیزده بدر پختن نوعی آش است که در بعضی از نقاط در شب قبل از سیزده به در به نیت در امان ماندن از حوادث روز سیزده تهیه و بین سیزده تا از همسایه ها تقسیم میکنند. بطور کلی رسم پختن آش رشته و خوردن آن در دل طبیعت در بین اغلب ایرانیان رایج است.





ماه مهمانی خدا به قدری ناب است که وصف حس و حالش در توانم نیست. در میان تمام شب های این ماه، سه شب برای دلدادگی است، برای پشیمانی و گریه های خالصانه.

شب های قدر هدیه عاشق است به معشوق؛ که طلب کند رسم بندگی را! که با سوز خدای خود را صدا بزند بلکه گناهان این بنده حقیر را ببخشد، که انتظار بکشد برای گشوده شدن دری از رحمت و مهربانی خدا!

در تمام لحظه های سال، این خداست که عاشقانه به دنبال بنده اش می رود. تمام زمین و زمان و ملائکه اش را مژده می دهد به یک نگاه بنده اش!

ولی دریغ از جبران این همه عشق آسمانی اما در این شب تمام نشدنی، این مخلوق است که در پی کورسوی امیدی است که بتواند در آغوش خدای خود غرق شود!

خدای من! تویی که هر بد من بودی، از تو که پنهان نیست! من لایق این همه عظمت تو نیستم! خطاهایم یکی دو تا نیست که با روی پررویی طلب آمرزش کنم، من در جبران عشق بی قید و شرط تو فقط ادعا داشتیم! خوبی هایم قطره و ظلم هایم دریا ولی چی کنم که چشمم را به یک اشاره پر مهر تو دوختم! هنوز و همیشه تنها امید من تویی!

حتی وقتی که با توهم سر ناسازگاری دارم، باز به خودت پناه می برم. این اولین بار نیست که این حال مرا میبینی! هزاران بار رفته ام و گم شدم و باز برگشتم به آغوش امن تو

کجا بهتر از اینجا؟! کجا آرام تر از اینجا؟! کجا آغوش میتواند عطر تو را بدهد؟! کدام آغوش پذیرای اشک های پنهانی من است؟! چه کسی می تواند دردم را نگفته از چشمانم بخواند؟! اصلا مگر کسی جز تو در این دنیا هست که من کنارش خودم باشم؟! تو خودت خوب میدانی و مرا میشناسی! عادت کردم پنهان شوم پشت نقاب! عادت کردم تصویری بسازم از خودم و به نمایش بگذارم تا خودم را لو ندهم! ولی تو که میدانی! تو هر رازی که دارم از بری! در تمام پستی و بلندی های زندگی ام بودی و نگاهم میکردی. شاید اصلا برای همین است که اینقدر طاقت آوردم. قطعا بخاطر وجود تو و حضور تو و حس عجیبی که به من میدهی، هر چیز را تحمل کردم. قبول کن سخت است!

انسان باشی و تاب بیاوری! موجود ناقصی مثل من چگونه هر روز در این دنیای سرد و تاریک امیدوار مانده؟! عجیب هم نیست! همه اش بخاطر توست. هراهی را میروم مقصدش تویی! باز میگردم تویی!

دور میزنم تویی! همه جای زندگی ام هستی، این حداقل دلگرمی من است که میبینی. چراغ امیدم را خاموش نکن. ببخش اگر کوتاهی کردم. اگر جایی می توانستم و دریغ کردم. اگر داشتم و ناشکری کردم. اگر نداشتم و طعنه زدم!

ببخش اگر وقتی به دوست داشتنت شک کردم! اگر خودم را دور کردم. ببخش اگر فکر کردم حواست به من نیست! میدانم که هست مگر می شود از نفس خودت در قلب من بدمی و رهایم کنی؟! مگر می شود شک کنم به خدایی که بهشت را برای مخلوقش آماده کرده؟! گرچه من به اندازه کافی هوادارت نبودم. تو بخشیدی و من ندیدم، صدایم زدی و نشنیدم، نوازشم کردی و پشت کردم. هربار که پیشانی بر زمین می گذارم تا برایت سجده کنم، هر بار که روی سجاده ام خوابم می برد، حس میکنم موهایم را نوازش میکنی! لبخندت را حس میکنم! بهتر از هر کسی میدانی در اعماق قلبم چیست، بهتر از هر کسی میدانی چه چیزی در من نهفته که روحم را آزار میدهد یا آزاد می کند!

پس من فقط به تو تکیه کردم. تویی که همه کس منی...! این دوست داشتن را از من بپذیر و مرا پس زن! در این شب که می خواهی سرتا پا براندازم کنی، من را پس زن و بگو که هنوزم هوایم را داری بگو که باز هم پای درد و دلم می نشینی و از نو مرا دوست داری! ایمان دارم تو باز هم مرا دوست داری...

فاطمه عبادی یالقوز آغاچی





## تعریف کمک های اولیه

کمکهای اولیه یعنی کلیه اقداماتی که بلافاصله بعد از بروز حادثه برای کم کردن درد و حفظ حیات مصدوم قبل از رسیدن تیم اورژانس یا رساندن به مرکز درمانی به فرد یا افراد آسیب دیده ارائه می شود.

### هدف از انجام اولین کمکها عبارتند از:

- حفظ ایمنی و سلامتی فرد یا افراد دخیل در ارائه کمکهای اولیه
  - حفظ حیات و جان مصدوم قبل از رساندن وی به مراکز درمانی
  - جلوگیری از پیشرفت و تثبیت شرایط مصدوم
  - کمک به بهبود حال مصدوم تا زمان رسیدن به مرکز درمانی
- مجهز

- پرهیز از آسیب رساندن بیشتر به مصدوم







## قوانین طلایی در کمک‌های اولیه

### قانون اول

فوری‌ترین اقدامات را بدون اتلاف وقت و بدون تنش و سردرگمی انجام دهید.

### قانون دوم

در صورت توقف تنفس اقدامات احیای پایه را شروع کرده و سپس به سایر امور بپردازید.

### قانون سوم

هرگونه خونریزی خارجی را کنترل کنید.

### قانون چهارم

سعی نکنید حداکثر اقدامات درمانی را برای مصدوم انجام دهید بلکه تنها اقداماتی را که موجب حفظ جان وی و جلوگیری از وخامت حال وی میشود انجام دهید



نشریه هلال عشق

سال اول | بهار ۱۴۰۱ | شماره یک



## قانون پنجم

به مصدوم و اطرافیان اطمینان خاطر و آرامش دهید تا اضطراب به حداقل برسد.

## قانون ششم

به افراد رهگذر اجازه تجمع ندهید زیرا رسیدن هوای تازه به مصدوم ضروری است.

## قانون هفتم

لبا سهای فرد مصدوم را جز در موارد ضروری از تن وی خارج نسازید.

## قانون هشتم

غیر از موارد ایست قلبی تنفسی که نیازمند احیاء است در سایر موارد جهت رساندن مصدوم به پزشک یا بیمارستان در اولین زمان ممکن اقدام نمایید.

## قانون نهم

هیچگاه ایمنی و سلامتی خود و سایر امدادگران را در کمک رسانی به مصدوم فراموش نکنید.

## قانون دهم

هیچ مصدومی را جابجا نکنید مگر اینکه حفظ موقعیت موجود موجب خطر جانی یا آسیب بیشتر بیمار شود.





✓ نکته: قانون های ذکر شده بر اساس اولویت بندی نمی باشد(لزوما قانون یک اولویت دار تر از قانون سیزده نمی باشد)

هرگز به يك مصدوم بيهوش چيزي از طريق دهان ندهيد.

قانون يازدهم

اگر مصدوم هوشيار است به وي اطمینان خاطر دهيد که در کنار وي بوده و کمکهاي پزشکی در راهند.

قانون دوازدهم

همواره مصدومين را در وضعيت مناسب قرار دهيد( هر وضعیتی که مصدوم راحت تر میباشد مگر مغایر درمان می باشد)

قانون سیزدهم



## روز معلم

هفته

معلم

مبارک

یادم دادی رنگ ها را بشناسم و زیباترین  
هنرها را ترسیم کنم. یادم دادی در زندگی چه  
جاهایی گریه کنم، چه جاهایی رها کنم و چه  
جاهایی ایستادگی کنم.

مرا با تاریخ گذشته ی سرزمینم آشنا کردی  
که چه مردان و زنان بزرگی داشتیم و میتوانیم  
از آنان شجاعت را یاد بگیریم.

مرا به دنیای درونم کشیدی که چگونه زبانش  
را بدانم، با احساسم و افکارم آشنایم کردی.

تو کسی بودی که تارهای وجودم را به صدا  
درآوردی و خواندن غزل با خدا بودن را به من  
آموختی، اما امروز همین تارهای وجودم از  
وقتی میخواهم با تو سخن بگویم خاموش  
شده اند.

معلم عزیزم حالا که زبانم بند آمده از عشق و  
محبت شما، میخواهم چشمانم را به چشمه ی  
چشمان مهربانت بدوزم و بگویم: دوست  
دارم....

الناز نعمانی

قلم در دست گرفته ام میخواهم کلماتی که  
خود معلم به من آموخته است را بر روی کاغذ  
جاری کنم و شعری در وصف معلم عزیزم  
بسرایم.

آه که نمیدانید کلمات چگونه فرار می کنند و  
قافیه ها چگونه به هم میریزند وقتی نام معلم را  
می نویسم.

انگار کلمات زنده اند و میدانند که نمیتوانند  
کنارهم قرار گیرند و زیباترین بیت را در وصف  
معلم بسرایند؛ حتی اعداد و ارقامی که از خود  
معلمانم آموخته ام، نمیتوانند کنارهم قرار گیرند  
و عددی را بسازند که گویای بزرگی مقام معلم  
باشد.

تو بودی که از مرز های جغرافیایی عبور کردی  
و درس عشق و هم زبانی را به من آموختی، تو  
بودی که یادم دادی حیوانات هم مثل ما عاشق  
میشوند و درد میکشند؛ فقط آنان مثل ما آدم  
ها زبان ندارند که بگویند آری به راستی که حق  
دارند نتوانند مقام تو را وصف کنند.

# معلمی شغل نیست علمی عشق





گرچه روز های شیرین و خاطرات خوش دلنشین اند اما باید حقیقت وجود پیشامد های تلخ را پذیرفت و خود را در مقابل آنها آماده نمود .  
 نمی توان مانع وقوعشان شد اما با تعلیم و آموزش می توان از شدتشان کاست و غمشان را تقلیل داد .

چه زیباست که هنگام سختی دستانی پرمهر و بی چشمداشت به سویت روانه شوند ، دستانی قدرتمند و توانا ؛ دستانی که در اوج هجوم طوفان ها صبورند و یاری رسان .  
 هجدهم اردیبهشت ماه ، روز قدردانی از کسانیست که سبیل امداد و کمک هستند ، کسانی که در سخت ترین روز ها سخت بودند و استوار .

روزتان همچون هلال سرختان ، سرخ و پر عشق  
 مسیرتان همچون قلب پاکتان صاف و هموار



سمانه معماریان



شخص کمک دهنده نیازی به داشتن اطلاعات پزشکی یا پرستاری ندارد. کمکهای اولیه و انجام کمک صحیح و به موقع، چه بسا باعث جلوگیری از مرگ حتمی مصدومین و یا ازدیاد و شدت یافتن عوارض مختلف گردند.



بهترین امدادگر کسی است که دارای صفات و توانایی های زیر باشد:

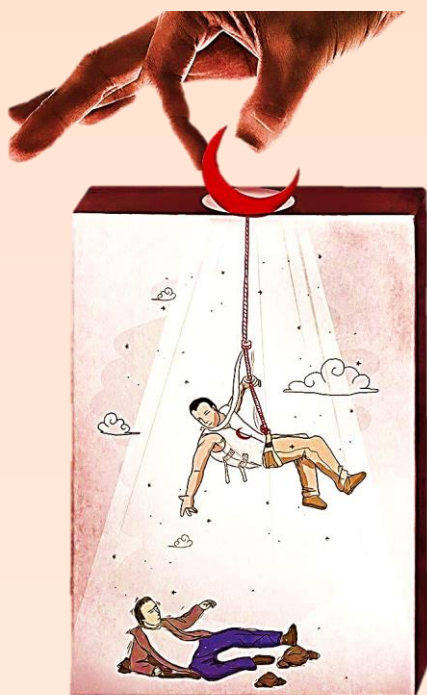
\* داشتن اراده و تمایل و انگیزه برای کمک به افراد و هموعان و احساس مسئولیت در این امر.

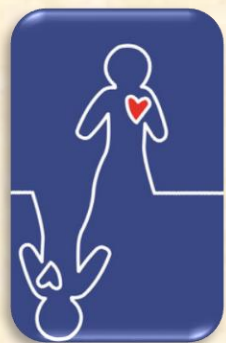
\* آگاه بودن از دانش و مهارت های کمک های اولیه.

\* داشتن خلاقیت و مبتکر بودن در انجام امور و استفاده از حداقل وسایل برای رسیدن به حداکثر نتیجه ممکن.

\* برخورداری از سرعت تصمیم گیری و قاطعیت در انجام اقدام مناسب در زمان کوتاه.

\* حفظ خونسردی و داشتن تسلط و اعتماد به نفس در حین انجام کمک های اولیه.





## مرگی که زندگی می بخشد...

پس از پرواز رهایی، قلب رنجورم را به قاب سرد سینه ای هدیه می بخشم تا هم نوای جسم دیگری، سرود مهر را از نو بخواند و در عمق زلال هر آیه فریاد زند... چشمانش به اتاق دوخته شده بود، اتاقی که در آن جگر گوشه اش قرار داشت. بی تابی می کرد، بغض گلویش را می فشارد.

نمی خواست باور کند، نمی خواست بپذیرد که تنها فرزندش را دیگر در آغوش نمی گیرد. دیگر صدای خنده های دخترش در خانه نمی پیچد.

زیر لب زمزمه می کرد: ((یا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَ...))

در اتاق گشوده شد. سراسیمه به سمت پزشک رفت.  
-متأسفم که اینو میگم...

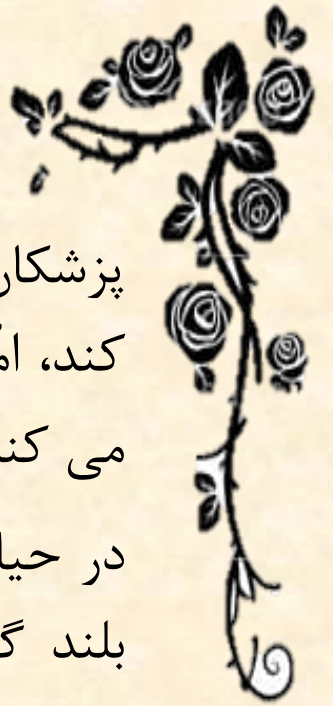
با شنیدن اولین کلمه، گویی غم عالم را بر دوش گذاشتند. او دیگر صدایی نمی شنید، پاهایش هم توان ایستادن نداشتند؛ چهره ی رنگ پریده و دستان یخ زده اش از اندوهش خبر می داد.

آری او دیگر صدای گرم دخترش را نمی شنید و گونه های سرخش را غرق در بوسه نمی کرد. او پرواز کرده بود و حسرت دیدنش در رخت سپید را، تا ابد به یادگار گذاشت.

دیگر امیدی به بازگشت نبود اما هنوز قلبش می تپید.

هفته ها گذشت. هر روز مادرش به بالینش می آمد و با او صحبت می کرد، از نذر و نیازهای دوازده ساله می گفت؛ خدا اسراء را، بعد دوازده سال هدیه داده بود.





پزشکان گفته بودند اگر می خواهد، می تواند اعضاء بدن دخترش را اهدا کند، اما او قبول نمی کرد. او اصرار داشت اسراء، بار دیگر چشمانش را باز می کند.

در حیاط بیمارستان، پدر و مادری را دید که بر زمین نشسته و با صدای بلند گریه می کنند. نزدیک تر شد احوالشان را از پسری که کنارشان ایستاده بود پرسید.

-خواهرم... دکترها می گویند اگر قلب پیوندی برایش پیدا نشود...

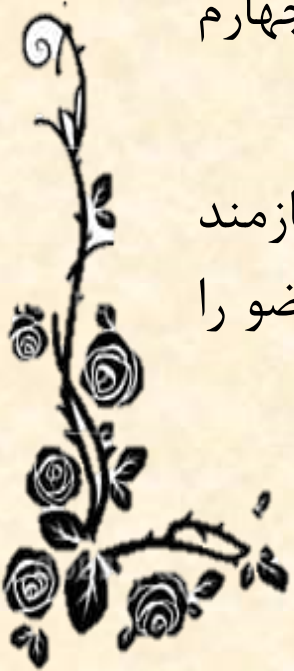
خشکش زد. برای چند لحظه مکث کرد، انگار خدا کسی را سر راهش قرار داده بود؛ شاید می بایست زندگی دوباره ای می بخشید به نفس های دخترکی که با مرگ، دست و پنجه نرم می کرد.

اهدای عضو، هدیه ای است که جان دوباره ای به بیماران می دهد. بیمارانی که با تحمل درد و رنج فراوان، چشم انتظار بخشش کسانی هستند که دچار مرگ مغزی گشته اند.

سالانه تعداد زیادی از بیماران، بر اثر عدم پیوند عضو، جان خود را از دست می دهند این در حالی است که حدود یک سوم تا یک چهارم کسانی که دچار مرگ مغزی شده اند، اهدای عضو انجام می دهند.

در هر مورد مرگ مغزی، می توان جان شش تا هشت بیمار نیازمند پیوند عضو را نجات داد. چه پسندیده است با گرفتن کارت، اهدای عضو را رواج دهیم و دیگران را به این کار ترغیب کنیم.

فاطمه نریمانی



## مواجهه با مصدوم

- \* اعتماد مصدوم را جلب کنید
- \* به حرفهای مصدوم گوش کنید
- \* آرامش خود را حفظ کنید
- \* کمک بخواهید



### تماس با اورژانس:

هنگام تماس با اورژانس موارد زیر را اطلاع دهید:  
خود را معرفی کنید و بگویید که به عنوان امدادگر کمکهای اولیه بر بالین مصدوم حاضر هستید.  
شماره تلفن خود یا شماره تلفنی را که با آن تماس گرفته اید اعلام کنید..  
آدرس دقیق محل حادثه را اطلاع دهید.  
نوع و شدت حادثه را مشخص کنید  
تعداد، جنسیت و سن مصدومین را اعلام کنید  
جزئیات هرگونه مخاطرات محیطی از قبیل نشت گاز یا کابل برق و... را  
اطلاع رسانی کنید.



هر سال روز ۳۱ ماه می میلادی به عنوان روز جهانی بدون دخانیات در نظر گرفته می شود.

هر ساله به مناسبت روز جهانی بدون دخانیات، ۳۱ ماه می، اقدامات و فعالیت های گسترده ای در سطح کشور با همکاری ارگان های ذیربط به منظور حمایت طلبی برای اجرای سیاست های موثر بر کاهش مصرف دخانیات و ارتقای سطح آگاهی عمومی به ویژه جوانان و نوجوانان نسبت به مضرات استعمال دخانیات انجام می پذیرد.

## مضرات دخانیات

یکی از مشکلات عمده بهداشت در زمان ما گسترش استعمال دخانیات در جامعه می باشد؛ که این خود بعنوان یکی از شایع ترین عوامل مرگ و میر در جهان شناخته شده، چرا که مصرف این مواد عامل ۲۵ بیماری کشنده از جمله سرطان ها و بیماری های قلبی و عروقی و غیره می باشند و انتظار می رود در سال های آینده بزرگترین و بیشترین عامل مرگ و میر و کاهش طول عمر باشد.

همچنین در صورت ادامه روند رو به بالای مصرف دخانیات در جهان طی ۲۰ سال آینده، سالیانه ۱۰ میلیون مرگ ناشی از بیماری های مرتبط با استعمال دخانیات بروز می نماید که بیش از ۷۰ درصد این مرگ ها در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران اتفاق می افتد.

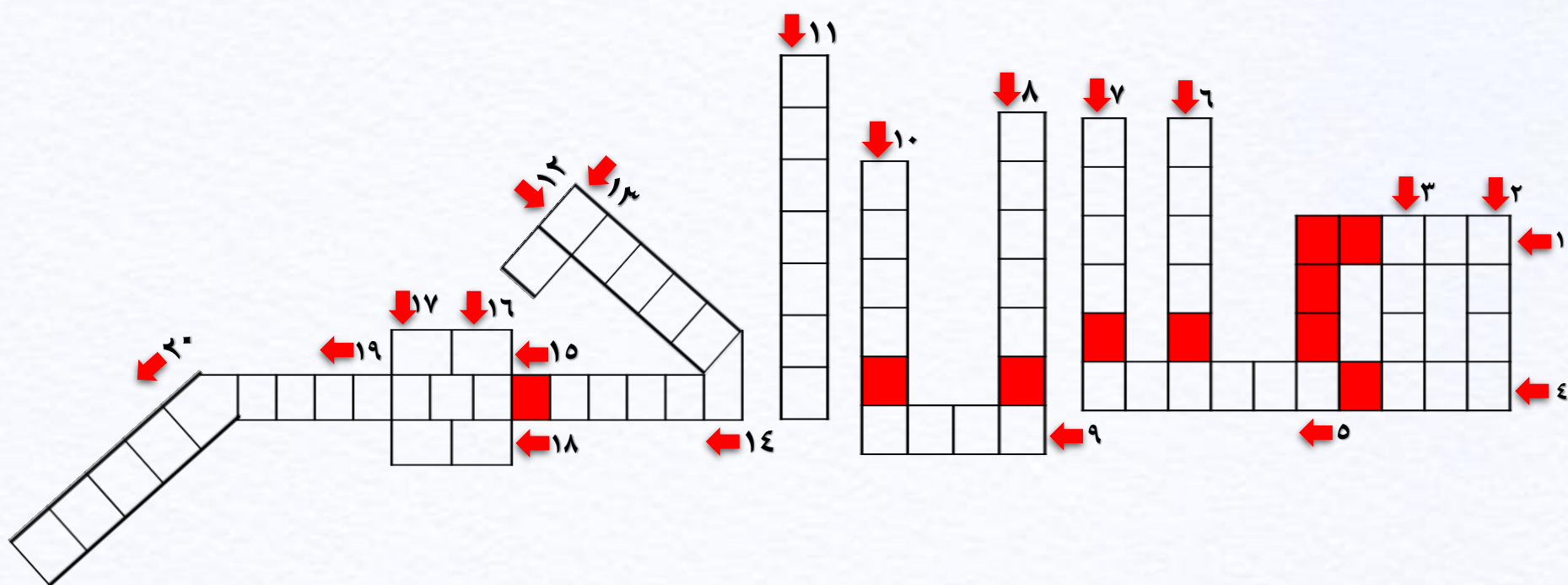
طی سال های اخیر مصرف انواع مختلف مواد دخانی مانند قلیان به طور گسترده در جامعه شایع شده است که نقش خاصی را در ورود جوانان و نوجوانان در عرصه استعمال دخانیات ایفا می کند و می بایست این گروه از افراد جامعه در زمینه عدم مصرف اینگونه مواد با توجه به زیان هایی که در آینده گریبان گیر آنها خواهند شد، بکوشند و از مصرف آنها اجتناب کنند.

بروز بیماری ها و مرگ و میر ناشی از مصرف دخانیات و استنشاق تحمیلی دود آنها از جمله سرطان ها، بیماری های قلبی و عروقی و حساسیت ها:

در این زمینه سالیانه ۴ میلیون نفر جان خود را در دنیا از دست می دهند و اگر روند استعمال به این گونه ادامه یابد ۵۰۰ میلیون نفر از جمعیت فعلی دنیا در نهایت به علت مصرف دخانیات خواهند مرد که نیمی از اینها را کودکان و نوجوانان تشکیل می دهند.

با توجه به آگاهی های فوق امید به جهانی سبز را آرزو مندیم. بیایید دست در دست هم گذاشته و جهانمان را بیشتر از هر زمان دیگر زیبا تر کنیم.





۱۱- وسیله ای برای مهار خونریزی خارجی

۱۲- نام قاره

۱۳- مایه حیات

۱۴- شنا

۱۵- اعضای بدن

۱۶- انبر- گیره

۱۷- اولین پیامبر

۱۸- ماده کشنده

۱۹- درخت نماد صلح

۲۰- سلول های عصبی

۱- پاسخ مثبت

۲- حیا - شرم

۳- غارت و چپاول

۴- عالم و فاضل

۵- رایج ترین نبض

۶- از سیاراتی که قمر ندارد

۷- آتش سوزی

۸- مطمئن ترین نبض بزرگسالان

۹- نباید هنگام ماساژ قلبی خم شود

۱۰- بزرگترین اندام در مهره داران





امروز تکیه گاه تو آغوش گرم من  
فردا عصای خستگی ام شانه های تو

بوی بهشت می شنوم از صدای تو  
نازکتر از گل است گل گونه های تو



در خاک هم دلم به هوای تو می تپد  
چیزی کم از بهشت ندارد هوای تو

ای در طنین نبض تو آهنگ قلب من  
ای بوی هر چه گل نفس آشنای تو



همبازیان خواب تو خیل فرشتگان  
آواز آسمانیشان لای لای تو

ای صورت تو آیه و آینه ی خدا



بگذار با تو عالم خود را عوض کنم  
یک لحظه تو به جای من و من به جای تو

حقا که هیچ نقص ندارد خدای تو



صد کهکشان ستاره و هفت آسمان حریر

آورده ام که فرش کنم زیر پای تو



این حال و عالمی که تو داری ؛ برای من  
دار و ندار و جان و دل من برای تو

رنگین کمانی از نخ باران تنیده ام

تا تاب هفت رنگ ببندم برای تو



چیزی عزیزتر ز تمام دلم نبود

ای پاره ی دلم ؛ که بریزم به پای تو

شاعر: قیصر امین پور

روز دختر مبارک

فاطمه مرادی



درختان به خواب میروند به امید اینکه بهار رسد  
تا باز با موسیقی دلنشین جوجه ها بیدار شوند  
اراده‌ی پروردگار چه کار ها که نمی کند  
از زمین مرده زمینی سرسبز خلق می کند  
انسانها با کارهایشان در حال نابودی این عظمت و زیبایی اند  
لباس آبی رنگ آسمان را با تولید گازهای گلخانه ای تیره کرده  
اند  
چرا...

چرا لباسش را ژنده کردیم  
با سوراخ شدن لباس آبی اش زمین گرم شد  
جمعیت انسان ها زیر این آسمان افسرده افزایش یافت  
فرزندان زمین را برای ساختن خانه قطع کردند  
دیگر درختان میوه ندادند  
ماهی ها با خوردن ظروف پلاستیکی در دریای آبی آخرین  
نفسشان را کشیدند  
انسان ها محافظان و نگهبانان طبیعت بودند  
زمانی از محیط خویش محافظت می کردند  
اما...

انسان الان به یک نابودگر تبدیل گشته  
هوای خنک را با استفاده بیش از اتومبیل های غول پیکر  
شخصی  
آب گوارا را با انداختن زباله ها در آن  
خاک حاصلخیز را با فاضلاب های کارخانه ها و شهری تهدید  
می کند  
کاش انسان ها...  
کاش...  
اجازه میدادند تا نسل های بعد نیز از این زیبایی لذت ببرند  
اما...

بدون توجه به زیبایی های طبیعت در حال نابودی آن و حیوانات  
و موجودات آن اند  
به امید آن روز که همه ی انسان ها مواظب طبیعت باشند...

هر چه به زیبایی های طبیعت نگرستیم  
از خلاقیت و هنرمندی آفریدگار هستی بیشتر متحیر گشتیم  
طبیعتی که بین هیچکدام از حیوانات فرق نمی گذارد  
برای همه ی آنها امتیاز یکسانی در نظر می گیرد  
از سلطان آسمان گرفته تا کوچکترین حیوان  
همه را با هم در آغوش گرفته



زمین را با هر آنچه که دارد می پذیرد  
زمین در زمستان خفته  
زمانی از خواب بیدار میشود.  
و زیبایی نمایان می شود  
که سرما را تحمل کرده باشد  
از زمستان جان سالم به در برده باشد  
طبیعت خنده بر لب می آورد  
ابرها از شدت زیبایی بغض می کند  
سرانجام شروع به گریه خواهد کرد  
پرندگان شروع به زاد و ولد میکنند  
صدای جوجه هایشان دنیا را فرا میگیرد  
جوجه ها بزرگ خواهند شد



گاهی طعمه خواهند شد  
طعمه پرندگانی که به سلطان آسمان مشهورند  
اما دریغ از یک ذره عطوفت  
صدای جوجه هایی که منطقه را فرا می گیرد  
زمین از تلاش و کوششش راضی است  
اما طولی نمی کشد خزان خواهد رسید  
طبیعت رنگارنگ خواهد شد  
رنگ های زیبایش را بر ما نمایان می کند.  
رنگ آبی که روی طبیعت سایه گسترانده  
و طبیعت رنگ سبزی را  
که بر تن کرده بود رایبرون آورده

نقاش طبیعت این بار با رنگ زرد و نارنجی طبیعت را نقاشی می کند  
آری این بار برگ ها تحمل این همه زیبایی را ندارند  
خود را رها می کنند

صبا فرجی





نام کتاب : کیف نجات خانواده  
اثر: زیبا ایوبیان

انتشارات: موسسه آموزش عالی علمی کاربردی هلال ایران

حوادث طبیعی و رخدادهای زمینی روال عادی زندگی را دگرگون می سازد. ثانیه های طلایی نجات تا رسیدن سازمان های امداد رسان از دست می رود و اگر افراد آمادگی کافی نداشته باشند، خسارات و تلفات به میزان زیادی افزایش پیدا می کند. کتاب "کیف نجات خانواده" ترجمه و تألیف زیبا ایوبیان در سال جاری توسط موسسه آموزش عالی هلال ایران و در قطعه جیبی به چاپ رسیده که در سه بخش: گامهایی به سوی نجات، ابزار نجات و گردآوری ملزومات نجات، تهیه و تنظیم شده است.

نویسنده کتاب پیش گفتار خود را با این سوال آغاز می کند که سانحه طبیعی و رخدادهای زمینی اجتناب ناپذیرند؛ آیا برای این رخدادهای آمادگی دارید؟ پرسشی مهم که شاید با مطالعه کتاب ابعاد اهمیت آن را بیشتر و بهتر درک کنید. این کتاب به طور مختصر و مفید و به صورت مقدماتی در مورد وسایل و دانش نجات در حوادث، اطلاعاتی را در اختیار خواننده قرار می دهد.





نجات در شرایط سخت دارای سه پله است:

پله ی اول نجات: آرامش قلبی و امیدواری و مثبت اندیشی به جای یأس و ناامیدی است.

پله ی دوم: دانش و آگاهی و تمرین و کسب مهارت برای شرایط سخت است.

پله ی سوم: تجهیزات و امکانات و آن چیزهایی است که برای نجات خود فراهم کرده اید و یا به عبارت دیگر کیف نجات.

تجهیزات مورد نیاز برای کیف نجات به دو بخش تقسیم می شود:

تجهیزات اجباری: تجهیزاتی است که فرد آسیب دیده تحت هر شرایطی به آنها نیاز دارد.

تجهیزات اختیاری: تجهیزاتی است که پس از استقرار در پناهگاه به آن نیاز است مثل رادیو.

## خلاصه ای از کتاب:

دانش نجات و روش علمی آن ذخیره ای ارزان و بی قیمتی است که هیچ وسیله دیگری جای آن را نمیگیرد.

هر چه مهارت های لازم را بیشتر فرا گرفته باشید با اطمینان بیشتری میتوانید با یک وضعیت اضطراری، از نظر جسمی و روانی برخورد کنید.

نکته مهم دیگر خوشبینی و مثبت اندیشی است. در یک بلای خانمان سوز بسیاری از افراد در چند کیلومتری یک آبادی تنها بخاطر ترس و وحشت جان می‌بازند؛ بنابراین مثبت اندیشی و امید مهمترین راه نجات شماست به ویژه هنگامی که آموزش های کافی را فرا گرفته اید و تجهیزات و امکانات کافی در اختیار دارید.

در شرایط دشوار به خاطر داشته باشید که مسئله تنها شرایط و امکانات نیست و بسیاری افراد با امکانات خیلی کمتر توانسته اند زنده بمانند و جان سالم به در برند؛ پس نباید امید خود را از دست دهید و تا وقتی کمک برسد، باید آرام بمانید و اطمینان قلبی داشته باشید. شما اگر نترسید میتوانید فکرتان را به کار اندازید، سریع کارهایتان را انجام دهید و همان جا بمانید. مطمئن باشید که نجات پیدا میکنید و دوباره میتوانید به آغوش گرم خانواده بازگردید.

نسرین ارمند

نشریه هلال عشق





( کسی که برای کمک به برادر خود و سود رساندن به او اقدام کند، پاداش مجاهدان در راه خدا را خواهد داشت.) وسائل الشیعه/ ج ۱۲/ ص ۲۸۵

۱. به عنوان سوال اول و آغاز، خودتان را معرفی کنید.

به نام خدا اسماعیل ابراهیم آقا هستم، متولد سال ۱۳۷۱ در پیرانشهر. مدرک کارشناسی شیمی خود را از دانشگاه نازلو ارومیه گرفته ام. اکنون به عنوان نجاتگر هلال احمر در خدمت شما هستم.

۱. از چه زمانی فعالیت در هلال احمر را آغاز نمودید؟

من از سال ۱۳۹۰ رفتن به دوره ها و کلاس ها را شروع کردم، از سال ۹۲ به عنوان امدادگر در پایگاه امداد جاده ای و کوهستانی مشغول به خدمتم.

۳- پیوند شما چگونه با هلال احمر رقم خورد؟

پیش از من، خواهر بزرگترم امدادگر هلال احمر بودند. از طریق ایشان با هلال احمر و امدادگری آشنا شدم.

۴- انگیزه و هدف شما، از وارد شدن به این شغل (امدادگری) چه بوده است؟

بیشترین انگیزه ی من خدمت به مردم بوده است. هدفم چه در مأموریت های کوهستانی و چه در تصادفات جاده ای، نجات جان آدم ها، کمک به هم وطنان و خوشحال کردن آنها بوده است

۵- به غیر از شما و خواهرتان، فرد دیگری از اعضای خانوادتان امدادگر بوده؟

بله، خواهر دیگرم نیز امدادگر هستند.

۶- برای خودتان تاکنون اتفاقی افتاده است؟

خوشبختانه خیر

۷- شما به عنوان امدادگر، چه کارها و فعالیت‌هایی انجام می‌دهید؟

به عنوان امدادگر جاده‌ای، در عملیات‌های کوهستانی و عملیات‌هایی مانند سیل و زلزله فعالیت می‌کنم. هم چنین به افراد مسن، که دچار بیماری آلزایمر هستند و در خارج شهر گم می‌شوند یاری می‌رسانم.

۸- در چه مناطقی عملیات داشته‌اید؟

به علت حادثه خیز بودن جاده‌های (پیرانشهر- نقده) و کوهستانی بودن مناطق ما، بیشتر عملیات‌هایم مربوط به این شهرستان و روستاهای اطراف می‌باشد.

۹- فعالیت شما محدود به آذربایجان غربی بوده است؟ در دیگر استان‌ها هم حضور داشته‌اید؟

در زلزله‌ی کرمانشاه نیز حضور داشته‌ام. اگر در استان‌های دیگر، یا حتی سایر کشورها نیاز به ما حس شود، حضور بهم می‌رسانیم

۱۰- امدادگران چگونه به عملیات فراخوانده می‌شوند؟

هم به صورت تلفنی، هم به صورت حضوری ما را مطلع می‌کنند. زمانی که تصادف یا حادثه‌ای رخ می‌دهد، مردم یا رهگذران به پایگاه مراجعه می‌کنند و به ما اطلاع می‌دهند که در چه منطقهای چه حادثه‌ای رخ داده است. روش دیگر تماس اورژانس یا کشیک استان با ما است





۱۱- مهم ترین فعالیت های امداد و نجات شما، در سال ۱۴۰۰ چه بوده؟

۱۹ خرداد ۱۴۰۰ در تصادف جاده ای، یک پراید دچار سانحه ی آتش سوزی شد؛ متأسفانه این حادثه ۳ فوتی داشت. ۲۱ آذر نیز یک مأموریت کوهستانی داشتیم، این حادثه هم موجب فوت دو هم وطن عزیز شد.

۱۲- از امکانات موجود در امدادگری بگویید؟

برای انجام مأموریت ها، تجهیزات کافی را داریم ولی این تجهیزات می تواند به روز تر، بهتر و مجهز تر شود.

۱۳- این تجهیزات را خودتان تهیه می کنید؟

خیر، امکانات و تجهیزات را پایگاه هلال احمر تهیه کرده و در اختیار ما قرار می دهد.

۱۴- در ابتدای مسئولیت با چه مشکلاتی رو به رو بودید؟

اوایل، دیدن صحنه های تصادف برایم بسیار دلخراش و سخت بود. به مرور زمان تلاش کردم تا عادت کنم و بهتر به وظایفم عمل کنم

۱۵- از امدادگری درآمدی دارید؟

خیر، من به صورت داوطلبانه کار می کنم. در ازای کمک رسانی هایم مبلغی دریافت نمی کنم.

۱۶- با چه انگیزه ای این کار را ادامه می دهید

زمانی که جان انسانی را نجات می دهی و او به آغوش گرم خانواده باز می گردد، می توان گفت بهترین حس دنیا نصیب تو می شود. این احساس خوب، برای من کافی است تا به کارم ادامه دهم.

۱۷- لطفاً تلخ ترین و شیرین ترین لحظات خدمتتان را بازگو میکنند؟

زمانی که عملیاتی را با موفقیت به پایان می‌رسانیم و می‌توانیم جان انسان‌ها را نجات دهیم، برای ما شیرین ترین لحظه است. دیدن حوادث ناگوار و از دست دادن هم‌وطنانم، تلخ ترین لحظه است.

۱۸- زمانی که لباس امدادی می‌پوشید چه حسی به شما دست می‌دهد؟

حسّ بشر دوستانه. وقتی به هم‌نوعانم کمک کنم و اطرافیانم را خشنود سازم، بیشترین حس رضایت مندی را در درونم احساس می‌کنم.

۱۹- برای امدادگران جدید چه توصیه ای دارید؟

اولین توصیه ی من این است: اگر در دوره‌هایی که حضور دارند، تمرینات را به خوبی و به اندازه انجام دهند، هنگام حضور در صحنه با مشکلی مواجه نخواهند شد و می‌توانند کارشان را به نحو احسنت انجام دهند. دومین توصیه: دانسته‌های خود را به روز کنند و با علم روز پیش بروند.

۲۰- کلاس‌ها و دوره‌ها برای انواع عملیات (کوهستانی، جاده‌ای و...) یکسان است؟

بخش کمک‌های اولیه برای هر دوره یکسان است. برای انواع عملیات، دوره‌های جداگانه برگزار می‌شود؛ مثلاً در بخش جاده‌ای، نحوه ی برخورد با تصادفات، نحوه ی برخورد با مصدوم و خارج کردن مصدوم از ماشین را آموزش می‌دهند. در کلاس‌های مربوط به بخش‌های کوهستانی، نحوه ی عبور از کوه و نحوه ی حمل مصدوم آموزش می‌دهد.

۲۱- در پایان چه صحبتی با مردم دارید؟

اتفاقات به‌طور ناگهانی رخ می‌دهند، بهتر است که حداقل یک نفر از اعضای خانواده، کمک‌های اولیه را بداند. این فرد می‌تواند هنگام حادثه به خانواده و نزدیکانش یاری برساند، هم‌چنین می‌تواند از اتفاقات بدتر جلوگیری کند.





## عطر میلاد

آن روز که نسیم نور زمین را از عطر میلاد  
تو آکند و فرشتگان بال در بال مقدم منورت را  
گلباران کردند، آسمان آینه بندان عشق بود و  
زمین زیر چتر خورشیدی درانتظار به آغوش  
کشیدن مردی از تبار محمد صلی الله علیه و آله  
وصلیم بی قرار و پرتپش شده بود.

آن روز تاریخی، مدینه مواج از شفافی عشق  
بود و سرانجام آسمان نور افشانی شد. لحظه ها  
بر قدوم تو سجده گذاشتند. و ثانیه ها عطشناک  
تا اوج آسمان فواره کشیدند.

## تولد

ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام  
هشتمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت  
است. بنابر نقل های تاریخی سال تولد آن امام  
سال ۱۴۸ ق است و چنان که مشهور است روز  
میلاد وی یازدهم ذی القعدة می باشد.

کنیه حضرت «ابوالحسن» است و چون  
حضرت امیر علیه السلام «ابوالحسن» خوانده  
می شود، حضرت رضا علیه السلام به ابوالحسن  
ثانی معروف شده است مشهورترین لقب های  
وی «رضا» است.

## باران نور

میلاد گل به فصل بهاران خجسته باد  
آواز دل نواز هزاران خجسته باد

در گلشن همیشه گل افشان سرمدی  
رقص نسیم و جوش بهاران خجسته باد

سر زد و آسمان یقین کوکب رضا  
این مژده بر شکسته حصاران خجسته باد

شد جلوه گر ز مشرق جان آفتاب عشق  
باران نور در شب یاران خجسته باد

سیراب شد کویر دل از چشمه سار نور  
پر دشت تشنه ریزش باران خجسته باد

بشکفته بر لبان ظفر غنچه های فجر  
ای میر عشق، فتح سواران خجسته باد

شب را شکست جاده شبگیر آفتاب  
گلبانگ نوش نوش خماران خجسته باد

زهرا قاسمی





در مورد مصدومانی که هوشیارند و صلاحیت تصمیم‌گیری به لحاظ ناتوانی ذهنی از آنها سلب نشده اخذ رضایت برای هرگونه مراقبت الزامی است و عدم اخذ رضایت هر گونه اقدام بعدی را میتواند تبدیل به یک جرم قابل پیگرد نماید (حتی یک لمس ساده برای گرفتن نبض).

باید توجه داشت که در فوریت‌های تهدید کننده حیات که به هر دلیل امکان اخذ رضایت نیست (مثلا مصدوم در معرض سقوط آبی است یا هوشیار نیست یا توانمندی مغزی کافی برای تصمیم‌گیری ندارد) با تعهد به انجام بهترین اقدام ممکن نیاز به اخذ رضایت نمی‌باشد.

اخذ رضایت همیشه کلامی نیست. دراز کردن دست برای کمک گرفتن از شما نیز میتواند نوعی رضایت ضمنی محسوب شود.







## انواع ارزیابی

تعریف کلی ارزیابی :

❖ ارزیابی فرآیندیست که با اطلاعات کسب شده از او شروع شده تا زمان انتقال و تحویل مصدوم به سایر پرسنل درمانی اولیه ادامه پیدا میکند.  
( ارزیابی از تماس تا انتقال ادامه دارد )

## انواع ارزیابی

( ۱ ) ارزیابی صحنه ( ۲ ) ارزیابی مصدوم

ارزیابی صحنه حادثه

صحنه حادثه، میتواند مخاطرات بالقوه متنوعی داشته باشد .

قبل از هرگونه اقدام درمانی جهت مصدوم، باید به ارزیابی صحنه حادثه و مخاطرات موجود در آن برای خود و سایرین پرداخت تا از بروز آسیبهای بیشتر به خود و دیگران جلوگیری کنیم .

ایمنی صحنه را ارزیابی کنید، ابتدا برای خود و سپس برای مصدوم



- ✓ شناسایی مشکلات مصدوم که تهدید کننده حیات وی بوده و اولویت بندی اقدامات امدادگر برای مشکلات مصدوم.
- ✓ بررسی سطح هوشیاری مصدوم
- ✓ بعد از تعیین سطح هشیاری بلافاصله از نیروهای امدادی از قبیل اورژانس (۱۱۵) یا امداد ونجات (۱۱۲ خارج از شهر) درخواست کمک می شود
- ✓ در صورت تنه‌بودن در زمان مواجهه با مصدوم ابتدا با اورژانس تماس حاصل فرمایید.
- ✓ برای بررسی از نظر وجود وضعیتهای تهدید کننده حیات به ارزیابی اولیه مصدوم بپردازید و اگر مصدوم با این شرایط تهدید کننده حیات مواجه نبود باید اقدام به ارزیابی ثانویه کنید

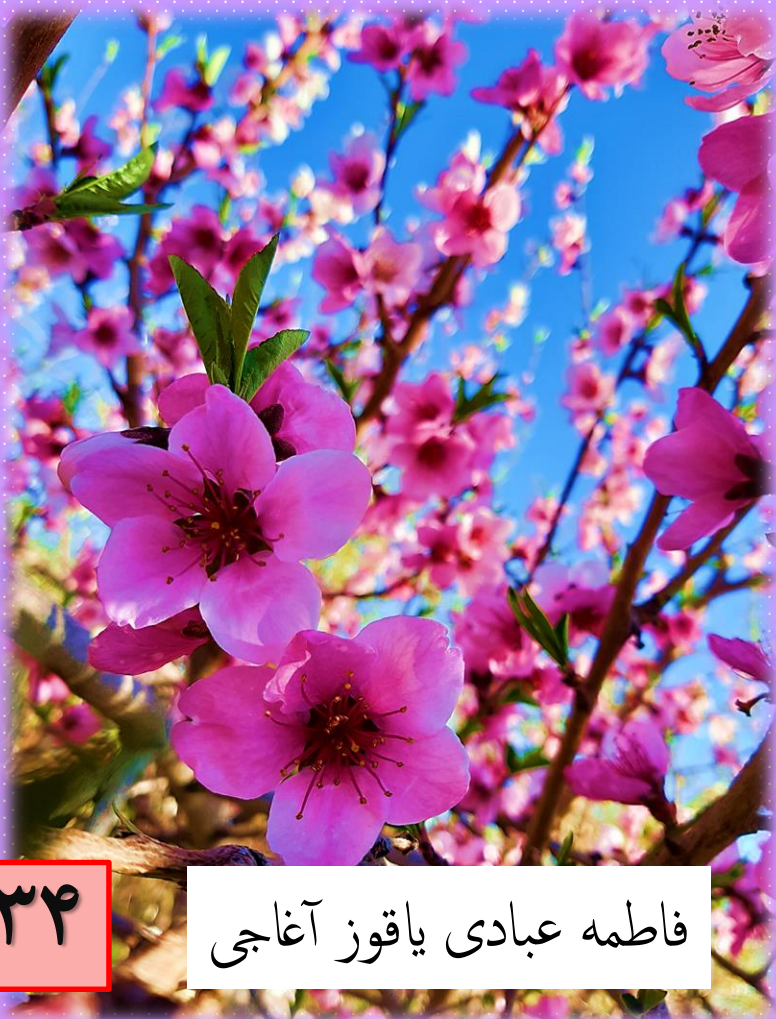




# عکاسی بهاری

















## ارتباط با ما

آدرس کانال تلگرامی کانون هلال احمر مرکز شهید مطهری خوی : @helal\_ahmar\_khoy\_cfu



@student\_teacher7999

آیدی سردرپیر نشریه جهت همکاری :

